



حجت الاسلام والمسلمین  
هاشمی رفسنجانی رئیس  
جمهوری اسلامی ایران در  
حالیکه یکصدتن دیگری  
از مسئولین جمهوری ۰۰۰  
آنرا همراهی میکند برای یک  
دیدار چهارروزه واردا سلام  
آباد پاکستان گردید.

صفحه ۲



# طسوع وحدت

ارگان نشریترین گزین وحدت اسلام افغانستان - کویته

فرازهائی از بیانات دبیرکل حزب وحدت ا...

افغانستان صفحه ۱۳

شماره - ۱۷ - سال دوم سنبله ۱۳۷۱ هـ ش ۱۴۱۲ هـ ق ۱۹۹۲ میلادی

## هفتاد و نهم ربيع الاول میلاد باسعادت پیامبر گرامی اسلام مبارکباد

صفحه ۸

از: رضازاده غزنوی

### کابل در آتش و خون

صفحه ۳

"فاشیزم" در جهان یک پدیده ای  
نامیمون اجتماعی بوده، که در ستر تاریخ  
بشریت وجود داشته است، باعث برویرانی  
هاوکشتارهای وقیحانه ی غیر انسانی در جوامع  
بشری بوده است، برای توجیه جنایات بی  
شرمانه خود، در هر عصر زمانی باشیوه های  
خاصی تبارز کرده، پرده روی چهره ی واقعی  
اصول اساسی و مبانی اعتقادی خویش کشیده  
است، آنگاه انسانهای مظلوم رابه مسلخ  
و قربانگاههای دسته جمعی برده است



### جنگ قدرت در افغانستان

هزار خنجر بیداد و یک دل مجروح

هزار ضربت خونین و یک تن مجروح  
پس از سقوط رژیم مزدور مارکسیستی  
در افغانستان بحران و وضعیت جنگی خاتمه  
نیافته، بلکه جنگ و خونریزی در کابل بیک  
روال عادی و همیشگی تبدیل گردیده است  
موشک باران و آتش افروزی اخیر در کابل بطوریکه  
هر روز هزاران موشک و توپ، هاوان بالای خانه  
های مسکونی و تاسیسات دولتی شلیک شد  
خسارات مالی و قربانیان بی شمار جانی به بار  
آورده، اهالی مظلوم کابل در میان دود و آتش  
جنگ افزارهای نیروهای آقای حکمتیار و دولت  
موقت حیران و سرگردان اند. صفحه ۲

### مروری بر روند حوادث در افغانستان

صفحه ۵

انقلاب اسلامی افغانستان از عظمت  
ویژه ی برخوردار است، ملت قهرمان و مسلمان  
افغانستان در سراسر کشور از وجب و جب  
خاک افغانستان، قدم بقدم دفاع کردند  
فرد، فرد این مردم از ملیت های مختلف در  
جهاد شرکت داشتند، قیام قهرمانانه و کفر  
شکن و کمونیست بر انداز افغانستان شوق  
و غرب عالم رابه حیرت انداخت، باکمال  
قدرت اشغالگران ارتش سرخ را ذلیلانه  
بیرون راند، رژیم ملحد و مزدور را ساقط و سر

### صربها صهیونیسم دیگری در بوسنیا

صفحه ۶

### هرز و گوشتین

از: نظری

در گذشته های اندک دور تراستکبار  
جهانی یهودیان صهیونیسم را فرد، فرد  
از گوشه و کنار جهان جمع نموده طی یک پلان  
از قبل طرح شده با پشتیبانی های گوناگون  
سرزمین فلسطین را غاصبانه در تصرف آنها  
در آوردند و مردم مسلمان ساکنان اصلی آن سر  
زمین را بیرون راندند، اکنون که چند دهه  
از قضیه اشغال فلسطین می گذرد نه تنها  
قضیه حل نگردیده بلکه اسرائیل امروز بعنوان  
قوی ترین وسیله فشار علیه سایر کشورهای

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- جنگ قدرت در .....
- ۲- میلاد باسعادت پیامبر گرامی ا .....
- ۳- کابل در آتش و خون .....
- ۴- مروری بر روند .....
- ۵- صربها صهیونیسم دیگری در .....
- ۶- عربستان سعودی ژاندارم منطقه؟؟ .....
- ۷- فرازهائی از بیانات دبیرکل حزب وحدت ..
- ۸- سفر چهارروزه رئیس جمهور اسلامی ایران .....

### حکومت سعودی ژاندارم منطقه؟؟

صفحه ۶

از: شیخ زاده قندهاری

روزیکه عباس هویدا صدراعظم اسبق  
ایران به کابل آمد تا با آقای موسی شفیق  
صدراعظم افغانستان (آخرین روزهای رژیم  
شاهی) معضله آب هلمند "هامون صابری" را  
سر میز مذاکره حل نمایند، خلقی های نامردمی  
و عروسک های پرچی بر سر پل باغ عمومی کابل  
شعار و ایران ژاندارم منطقه و ۰۰۰ است راسر  
داده و مرده باد می گفتند.



# جنگ قدرت در...

از سوی دیگر قحطی و کمبود مواد غذایی، آب و برق، دارو و گرانی بیش از حد مردم کابل با اطفال معصوم شان زجر میکشند و در بدترین وضع قرار دارند.

آری مردم مصیبت زده‌ی کابل با از دست دادن هزاران عزیز خود از خانه و کاشانه شان و دار و ندار خویش دست کشیده اینک بناچار پای پیاده بسوی مرزهای شمال و جنوب سیل اسادست به مهاجرت زده شهر را ترک مینمایند.

تحلیل گران سیاسی جهان هم رای وهم نظر اند که علت دوام جنگ و خونریزی و بربادی کشور تک روی، خودمحوری، خود بزرگی بینی بعضی از رهبران جهادی هستند که تشنه قدرت اند.

اگر نگاهی ولو گذرا در روند ۱۴ سال انقلاب بنمایم از لای بلای بر خوردها و موضع گیری های رهبران سیاسی اجزای بساده گی میتوان دریافت که مسئول آنها همه کشتار بی رحمانه و ویرانگری کیها هستند؟

هرگاه در هر مرحله ای از انقلاب جلساتی پیرامون حل معضلات و اختلافات و سخن از ایجاد یک دولت اسلامی و ملی بر مبنای عدالت اجتماعی در برگیرنده ی حقوق همه ملیتهای ساکن و مصالح کشور بمیان آمده

چون آقایان پشت فرمان ماشین جنگی ای که بزعیم شان خیلی قدرتمند است سوار بوده با نهایت خودخواهی موضع گرفته اند، غافل از اینکه ماشین جنگی ارتش سرخ روسیه بعنوان بزرگترین ارتش جهان در برابر حق و یابره نه گان کشور سرخم کرد و مفتضحاته شکست خورد

علاوه بر این تمام مردم افغانستان مسلح و دارای اردوی جنگ آزموده است ولی راه حل معقول اختلافات ماشه تفنگ نیست

همانطوریکه حزب وحدت اسلامی ضمن اعلام بی طرفی در جنگ های اخیر، موشک باران شهر کابل را که بیشترین ضررها را مردم بی گناه شهر متحمل گردیده، عمل نامالح دیگری دانسته که در جهت بدست آوردن قدرت و انحصار طلبی بعمل می آید، لذا این جنگ و حمله را محکوم نموده و از طرفین درگیر خواستیه است تا قضا یا را از طریق مذاکره حل نمایند.

آما بحران، ناامنی، کشمکش و جنگ های جاری دز کشور از انجاناشی میگردد که گروههای خودکامه و انحصار طلب با تحریکات پنهان و عریان بیگانه گان در صدد تلاش اند تا خود به تنهایی بر جهاز قدرت موجود و آینده

کشور سوار باشند که این راه هم به ترکستان می رود، اگر چنین نبود رهبران سیاسی کشور میتوانستند قبل از سقوط رژیم مارکسیستی دولت موقتی را آنهم با توافق همه آنانیکه بنحوی در جهاد مقدس شرکت داشتند بوجود می آورند که يك امر حیاتی بود که هم سقوط رژیم را نزدیکتر میساخت و هم امروز چنین مصیبت هائی را نمی داشتیم که برای روشن شدن قضیه به نمونه های زیر توجه فرمائید.

۱- چند سال قبل هیاتی تحت ریاست آقای استاد مجددی با صلاحیت اصولی و قانونی از طریق هفت گانه از پشاور به طهران رفت و در آنجا معاهده ای را در رابطه با تشکیل دولت موقت با رهبران جهادی که در طهران بودند با امضا رساندن دولی متا سفانه در برگشت آقای مجددی در پشاور از سوی بعضی از رهبران جهادی که عطش قدرت طلبی شان بیش از حد است رد شد.

۲- همزمان با سقوط رژیم بار دیگر طی يك زدوبند سیاسی در پشاور توسط چند تنظییم بدون حضور قسمت اعظمی از نیروهای جهادی دولت موقتی ناقص و مغرضانه بوجود آمد، لذا بعید نیست که چنین جنگهای خانمانسوز و ویرانگری را بدنبال داشته باشد بگفته شاعر.

## گرتهداد رانمعمار کج

تاثیر مایر و ددیوار کج  
۳- درین میان حزب وحدت اسلامی علی الرغم اینکه در جریان ایجاد دولت موقت اسلامی نادیده گرفته شده بود با صبر و شکیبائی طریق مذاکره و مفاهمه را در پیش گرفت و با دولت آقای مجددی تا جائی تا جایی مربوط راحل نموده بود، ولی جناحهای وابسته به وهابی های سعودی بدستور اربابانش بایک توطئه از قبیل طرح شده جنگ نامعقولی را علیه حزب وحدت اسلامی تحمیل مینمایند تا آب را گل آلود سازند و اگر بتوانند از شرکت مؤثر حزب وحدت در ساختار دولت جلوگیری نمایند و درین رابطه بعد از ختم دوره آقای مجددی، دهن کجی هائی از جانب بعضی از شخصیت های دیگری نیز بعمل می آید.

۴- مولوی صاحب خالص که معلوم است مورد استفاده عده ای از رهبران زرننگ نیز قرار میگردد در مواقع حساس و نازک با کمال وقاحت به ردنیمی از پیکره جامعه می پردازد و یامنکر حضور اقشار عظیمی از جامعه در صحنه سیاسی میگردد، آیا چنین موضع گیری ها جز خود بینی و آتش افروزی چیز دیگری میتواند باشد؟ قدرت و توان و نفوذ مولوی صاحب به

همه ملت افغانستان و ناظران سیاسی ماورای - مرز معلوم است که شاید ۲٪ از ۳۰٪ نفوس برادران پشتون را هم با خود نداشته باشند.

آری آنچه که امروز در افغانستان می گذرد حاصل تلاش تشنه گان قدرت و انحصار طلبان است که جز خود میلیتهای دیگر را تحمل کرده نمیتوانند و درین راستا حزب وحدت اسلامی معتقد است که در افغانستان قضایا باز و رفتنگ قابل حل نیست و هم نمیتوان هیچ کسی را نادیده گرفت، هر کسی اگر چنین هوائی در سر داشته و دار در راه اشتباهی را می پیماید شاعر خطاب به چنین افرادی میگوید:

## ترسم نرسی بکعبه ای اعرابی

این راه که تومیروی به ترکستان است امیدواریم رهبران سیاسی و جهادی با وسعت نظر و بارعایت مصالح مردم و کشور و با تحمل وجود واقعی همدیگر با اتخاذ مواضع سالمی که در آن نیتی از تضعیف حقوق دیگران مطرح نباشد و با کنار گذاشتن راه نظامی که در آرزویشا شان نتیجه ای جز قتل عام مردم و ویرانی کشور نداشته، در پی حل و فصل مخاصمات و مخالفات از طریق مذاکره و مفاهمه برآیند.

پایان

## سفر آقای رفسنجانی به پاکستان

درین دیدار مسئله افغانستان، کشمیر، بوسنیا و گسترش روابط دوجانبه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت، هر دو کشور در مسائل مختلف به توافقهای مهمی دست یافتند و در مسئله افغانستان بیش از هر زمان دیگر نظریات شان با هم نزدیک گردیده متفقا "اعلام داشتنکه:

" هر دو کشور خواهان ایجاد ثبات در افغانستان بوده و در بازسازی آن همکاری مینمایند " آقای رفسنجانی در شهر لاهور در یک کنفرانس مطبوعاتی تأکید کرد که " در آینده رهبران منتخب زمان امور را در افغانستان در دست بگیرند " منابع پاکستانی با خبر نگاری بی سی اعلام داشته که در ظرف چند روز گذشته در مذاکرات بین مقامات سطح بالای ایران و پاکستانی " طرف برقراری صلح پایدار در افغانستان مورد بررسی قرار گرفته " رهبران پاکستان و ایران جنگ قدرت را در افغانستان محکوم کردند، آقای رفسنجانی اظهار داشته که: رهبران افغانی بدون کدام مقدمه جنگند و آنها نزد خدا جوابده هستند.



## کابل در ۰۰

و در پوشش شعارهای فریبنده و تظاهر به اعتقادات مذهبی و ۰۰ اصل اساسی برتری طلبی نژادی را پی گیری کرده است، و با منطق سیاسی ویژه زمانی، گفتار خود را تطبیق داده است و در کردار دیوسیرت و پلیدانه عمل کرده است.

" فاشیزم " در کشور " خراسان باستان " آنجا که قلب اسکندر پدید و ضربان بالارفته تند و تند تر از دو پای کشور کشایان مغول لغزید، آنجا که صخره سنگ های پر صلابت کوهسارانش مسجمی بود اراغوش گرفته و شیران میادین رزم را در دامن خویش پرورده - است، با ظهور احمد شاه درانی " متولد گشته و در زمان زمامداری عبدالرحمن ستمگر و جلاد جوان میگردد، در این برهه ای از تاریخ خونین است که ملیت های محروم و محکوم نیز تولد یافته و بعضاً " بنا بر گواهی تاریخ در حدود ۶۰٪ نابود میگردد مثل مردم هزاره که از سرهای بریده و در خون آغشته آنان در قندهار و کابل کله منارها ساختند، ملیت های دیگر چون ازبک تاجیک و ایماق و ۰۰۰ تضعیف گردیدند تا سالهای سال نتوانند قید را فرزند و اظهار موجودیت و خواستار حقوق انسانیت و مدنیت خویش گردند.

این حرکت در روند تاریخ تحولات سیاسی کشور پس از عبدالرحمن باشیوه های مرموزانه تر پیچیده تری تعقیب گردیده است با منطق خاص سیاسی، گاهی در پوشش و نقاب ریاکارانه ای دموکراسی ( دوران حکومت بیدادگر ظاهر خان ) زمانی در سایه جمهوری و براندازی نظام سلطنتی ( حکومت داود خان پس از کودتای ۲۶ سرطان ) وقتی هم در لافاهای انقلابی به اصطلاح دفاع از محرومان و کارگران در چوکات و فرم ایدئولوژی مارکسیستی که حفیظ الله امین مظهر قدرت مند و سفاک رامی توان تجسم عینی " فاشیزم " در این دوره و زمان دانست.

اما پس از فروپاشی دیوار آهنی - مارکسیسم لینینیسم در شرق، تحول ژرف و عمیقی در عرصه سیاست جهانی پدیدار شد و ایجاد کشورهای مستقل در آسیای میانه و اروپای شرقی و ۰۰ تغییر بنیادی در روابط بین المللی و پالیسی کشورهای منطقه به وقوع پیوست و در چنین وضعیتی تا هنوز رژیم نیمه جان و وابسته به نظام از هم پاشیده و " امپراطوری

از هم گسیخته ای شرق " برکابل " و بعضی شهرها مسلط بود، در راس نظام " نجیب " و دارودسته ای وی، که در خانواده ای " فاشیزم " متولد گردیده بودند قزار داشتند، اکنون منافع " نیو فاشیزم " و حفظ وثبات آن به کار آیی و توانمندی آنان بستگی تام و تمام داشت - آنان نیز تلاش می ورزیدند تا به رقابت های قدرت طلبی خانواده گی " فاشستان خاتمه بخشند و بنحوی از انحاء پیوند این سلسله بیدادگر را مستحکم ساخته و بنیان در هم ریخته ای آن را به تعمیر گیرند، راه رسیدن به اهداف پلید و دمنشانه شان را در تضعیف قدرت های درونی نظام که وابسته به این خانواده نبود را جستجو میکردند و مقامات کلیدی رایکی پس از دیگری از دست افراد و شخصیت های ملیتهای دیگر، در فرصت های مناسب و شرایط مساعد گرفته خویشان را تقویت می نمودند، ارتباط ذات البینی این سلسله عمیق و عمیق ترمی شد، که می توان ادعا کرد آنانیکه " تنی " و امثال آنرا در آغوش باز پذیرفتند در واقع در طول سالهای انقلاب نه تنها از راه ارتباط با مافیای " بین المللی زراندوزی کرده، و از ظرفی ۶۰٪ کمک های بین المللی را بخود اختصاص داده به انبار ساختن سلاحها و مهمات پرداختند، بل در این راستا با عناصر افراطی که در پاکستان، از این خانواده اسکان داشتند و قدرت مند بودند ایجاد علاقه، تا مرز جاسوسی نمودند، و وصلت فاشیستی شان را مستحکم ساختند.

از ناحیه ای در داخل کشور نه تنها با دامن زدن اختلافات و نفاق در صفوف نیروهای جهادی اکتفا و بسنده نکرده که، در اطراف کابل مرموزانه کمر بند امنیتی ایجاد کرده بودند تا دیوار حفاظ و امنی نظام بسوده در راس مخروطه و هرم آن توانسته باشند، مهتره مطلوب خویش را حفظ و در فرصت و شرایط مساعد به اندک بهانه و با کودتای قدرت را - تحویل گیرند، با قاطعیت میتوان گفت که یکی از علت های عمده و اساسی فروپاشی رژیم نامطلوب حرکت های فاشیستی رهبران و نهاد های درون نظام بوده است.

از آنجائیکه آب به آسیاب " فاشیزم " نریخت و عقربه ای تاریخ بر فوق مراد آن نچرخید حرکت های سیاسی از شمال کشور نشأت گرفته شتاب یافت که از تحرك " نیروهای فاشیستی " کاسته و پلانهای تدوین یافته آنان نقش بر آب شد تا بزده گی و از خود باختگی روانی وجود این دیوستم را فرا گرفت و تب لرز بر تنندیس اهریمن ستم مستولی گردید، با دست و پا چگی

مذبحانه تلاش ورزید که با ترفند و شوگر دیگری در عرصه حضور یابد، با پشتوانه بیرون مرزی طرح عجولانه ای را در " پشاور " یک شبه بدون حضور داشت قوت های مهم جهادی و ملی تدارک دیدند که بارها در نوشتار دیگر بر صراحت و وضاحت یاد آوری شده که، تمامی فجایع و حق کشی و خونریزیهای که در کابل به وقوع پیوسته است یاد آرینده رخ خواهد داد نتایج نامطلوب این طرح و حرکت مجنون وار و به دور از واقعیت عینی و ساختار اجتماعی " افغانستان " بوده است.

برای چندمین بار است که شهر " کابل " مورد تهاجم و حشیانه ای نیروهای فاشیستی قرار گرفته و در آتش و خون فرورفته است هزاران انسان، کودک، جوان، پیر، زن و مرد را از مردم غیر نظامی و بی دفاع بکام مرگ فرستاده اند و هزاران دیگر مجروح و آواره و بی خانمان گردیده اند، که در راس ورهبری اینگونه حرکت های وحشیانه و غیر انسانی و اسلامی پیر خرفت " سیاف " و امثال آن قرار گرفته اند و وجود خویش را در نفی دیگران می بینند.

اگر از زاویه و دیدگاه دیگری یعنی اینکه پدیده های اجتماعی در یک پیوند زنجیره ای در کل جهان قرار دارند، به قضایای غم انگیز و معضلات موجود در افغانستان نگرسته شود، پدیده جنگ های خونین در کابل، به همان سان که ریشه در ستر تاریخ دود و چند ساله ای استبداد دارد - از جهات مختلف به نفع امپریالیزم جهانی و دست ساخته ای آن بوده و در جهت تحقق یافتن اهداف استراتژیک استکبار بین المللی بوده است، تا افغانستان را در کام طوفان و ویرانگری و بحران جنگ های خونین فرو برده، یکی دیگر از کانونهای بحران بسازند چونان، فلسطین، لبنان، بوسنیا، میانمار الجزایر و ۰۰ جاههای دیگر از سرزمین های اسلامی و خود بهره گیرند.

پس از این دیدگاه نیروهای " فاشیستی " و قدرت طلب بهترین عناصر زمینه ساز رسیدن استعمار و استکبار و اعمال منطقی آن، به اهداف پلید و مقاصد آژمنده شان بوده می باشند، زیرا این عناصر بخاطر رسیدن به قدرت و خواستهای برتری جویانه اقلیت خاص نژادی که دارند در طول تاریخ تحولات سیاسی دوسده ای اخیر از هیچگونه معامله ینگینی که برخلاف منافع کشور بوده ابا نورزیده اند، و اکنون نیز بهر وسیله ای ممکن ولو برخلاف مصالح و شکوفائی کشور و حتی نوامیس میهن باشد در بیخ نخواهند ورزید، جای بسی تأسف و حسرت خواهد بود





که در روزنامه‌ی پاکستان ۳۱-اگست ۱۹۹۲ از مهاجرین جنگ‌های خونین کابل با کمال وقاحت سخن گفته می‌نویسد " ده هزار نفر از دختران جوان افغان از کابل آواره گردیده اند و ایمن دوشیزه‌گان ماه‌رو و پریان مهاجر، جوانان رادر پشاور دل‌ربوده و مجذوب ساخته اند " ۰۰۰ به راستی کج‌گرفته است غیرت، شهامت " افغانستانی " ؟ آیا ننگ نخواهد بود که بخاطر ریال، دلار، ناموس وطن رابه بازار عیاشی عرب‌های وهابی و ۰۰۰ برده، شهره بازار و نشر ننگین و بی‌آزم قرار گیرند، ننگ بادبسه " فاشیستان " که از هیچ ننگی در راه آرمان پلیدشان دست بر نمی‌دارند.

بهر انسان عاقل و خردمند و وطن دوست خواهد بود که از خویش‌تن‌سئوال نماید، چرا " افغانستان " دارای نظام باثبات، اقتصاد توانمند، سیاست پویا، فرهنگ بالنده و آرامش و امنیت نباشد؟ چرا افتخارات چهارده سال رزم و شکست دادن مفتضحانه امپراطوری شرق بدست پرتوان مجاهد مردان و خون‌بهای بیش از یک و نیم میلیون شهید در اثر طوفان خانمان سوز جنگ قدرت بر باد داده شود و چرا ای دیگر ۰۰۰ پاسخ ازین قبیل پرسش‌ها با تعمق به دو نکته روشن خواهد شد، یکی امپریالیزم و نقش پای آن در افغانستان، دیگری نقش و تاءثیر پذیری - عمل منطقی آن روی بعضی نهادهای به اصطلاح انقلابی و جهادی در طول چهارده سال مبارزه همانند نفوذ عربستان سعودی بر اتحاد " سیاف " و ۰۰۰

۱- " امپریالیزم " جهانی در طی چهارده سال جهاد ملت سلحشور کشور روی نهادهای مطلوب خود سرمایه‌گذاری‌های در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی و ۰۰۰ داشته است آنچه که، در خصلت سبیعانه‌ی آن نهفته است دشمنی و خصومت با اسلام، استقلال، حاکمیت ملی باثبات و مقتدر کشورهای اسلامی و دنیای غیر صنعتی روجه انکشاف می‌باشد، در جلوگیری از رشد نهضت‌های رهائی بخش مکتب توحیدی اسلام و پیوند و هماهنگی جنبش‌های ضد استعماری از هیچ ترفندی فروگذار نبوده بلکه با مداخلات عریان نظامی در سایه مشروعیت گرفتن از سازمان ملل به ویژه با بافت و تشکل نابرابر و غیر عادلانه آن توسل‌جسته می‌جوید، سپس دولت و حکومت مستقل و مقتدر که از تمامیت ارضی و منافع میهنی خود دفاع بتواند و ارتش توانمند ملی از نیروهای آبدیده و کارآزموده‌ی جهادی ایجاد نماید با منافع جهان‌خوارگی و استثمارگرانه استکبار

در تریضاد خواهد بود، بدین ملحوظ تقویسه و تخحریک نیروهای فاشیستی در راستای مقاصد شوموم آن وسیله مناسب خواهد بود.

۲- عمل منطقی که در جهت اهداف " امپریالیزم " خط‌مشی و پالیسی‌های خود را در منطقه هماهنگ می‌سازند از جهات مختلف در قضا و یا و آتش افروزی‌ها در " افغانستان " دست یازیده اند. زیرا هر اس‌دارند که کشوری قدرت مند با مورال برتر از نظر نظامی، اقتصادی و فرهنگی، در منطقه ایجاد گردد، وجود چنین حکومتی ر باعث بر زوال و نابودی خویش تلقی کرده، لهدابه توطئه و مداخلات بی‌شرمانه در امور داخلی " افغانستان " پرداخته اند با دلا و روریال عناصر خائین به کشور را تطمیع نموده وقایع ناهنجار و جویبار خون را در کابل جاری ساختند، پس از شکست چندین بار ایمن عناصر روزنامه پاکستان ۳۱ اگست ۱۹۹۲ پرده از بعضی زاویه‌های تاریک مداخلات بعضی عناصر و ارگان‌های افراطی پاکستان، عربستان سعودی و ۰۰۰ برداشته است، گرچند خود نیز از دیدگاه واقع بینانه و غیر مغرضانه برخوردار نبوده است و بعضی مسایل را غیر مسئولانه دامن می‌زند حقایق را باطل، راست را با دروغ سرهم نموده است چنین می‌نویسد: " بنقل از منابع معتبر گزارش شده است که در جنگ‌های اخیر کابل ۴۰۰۰ نفر عرب و ۱۸۰۰ نفر از جمعیت طلباء اسلام و جماعت اسلامی به حمایت از حکمتیار شرکت کرده اند اعراب از ممالک سودان، اندونزی، الجزایر امارات متحده عرب، عربستان سعودی، اردن لیبی و چندین ممالک آفریقائی اشتراک ورزیده اند، که ابتدا از عبدالرسول سیاف حمایت می‌کردند، سیاف نظریات خاص مذهبی دارد ( وهابیت ) .

این اخبار آشکار مداخلات کشورهای بیگانه را در امور داخلی " افغانستان " مطرح ساخته است که جنگ‌های خونین کابل رابه راه انداخته اند، ولی ملت قهرمان افغانستان فراموش نخواهند نمود یا اینکه مداخلات غیر مسئولانه و غیر انسانی بیگانگان و جنایات وحشیانه‌ی نیروهای متجاوز در کابل راکه هزاران کشته و مجروح به جای گذاشتند و خانه‌های مسکونی مردم رابخاک یکسان نموده اند و این گناه عظیم و نابخشیدنی را مرتکب شده اند نادیده نگارند.

در قسمتی دیگر می‌نویسد: " اتحاد سیاف، پس از پایان یافتن دوره‌ی حکومت مجددی فوراً " در صد کنترول مناطق

استراتژیک کابل برآمد، که از طرف نیروهای " حزب وحدت " طرفدار " ایران جلوگیری بعمل آمد، تقریباً " یک هزار نفر عرب در این جنگ بقتل رسیده اند، بعداً " اتحاد اسلامی ( مربوط سیاف ) با حزب اسلامی ( حکمتیار ) غیر رسمی اتحاد نمودند ۰۰۰ اعراب در سرحدات پاکستان و " افغانستان " شفاخانه‌ها تاءسیس نموده اند که زخمی‌های اتحاد سیاف و حزب اسلامی را تداوی می‌نمایند حزب سیاسی مذهبی " جماعت اسلامی " پاکستان که به حمایت از حکمتیار شهرت دارد از ۱۸۰۰ نفر که در جنگ‌های خونین فرستاده است صد نفر زخمی و کشته داشته است " ۰ بنا بر این گزارش، جنگ‌های ویرانگر در کابل توسط عمل منطقی " امپریالیزم " سازماندهی و نیروهای فاشیستی تقویت شده اند، تا نگذارند حکومت با قاعده‌های وسیع ایجاد گردد و از طرفی داعیه‌های ملیت‌های محروم نادیده گرفته شود، نظام فدرالی که با ساختار اجتماعی " افغانستان " سازگاری دارد و داعیه‌های برحق ملیت‌های تحت ستم بوده است و راه حل پرابلم فعلی بوده است به بوتاه فراموشی سپرده شده و خود با توسل به زور قدرت را تصاحب نموده براریکه قدرت مطلقه تکیه زده نظام وحشت و ترور را حاکم سازند، گرچند در شعارها و شرایط‌های که مطرح می‌نمایند مبارزه با بقایای ارتش رژیم و انتخابات می‌باشند که هیچ یک در وضعیت موجود محل از اعراب نداشته بل بجهت اغفال و گمراه نمودن اذهان عامه و استتار جنایات وحشیانه خود بیان می‌دارند. امامت‌جاوزان و جنایت‌پیشه‌گان بدانند که ملت قهرمان و سلحشور افغانستان چهره دیوسیرتان ستمگرانیک می‌شناسند و از رشد سیاسی لازم برخوردار بوده اند که منافع کشوری و ملی خود را درک نموده اند که چرا کابل در آتش و خون فرورفته و چه کسانی این فاجعه‌ی بزرگ رابه وجود آورده اند و چگونه اهداف پلید و غیر انسانی را تعقیب می‌نمایند و دریافته اند که میلیون‌ها دلا و روریال سعودی در جیب چه کسانی ریخته میشود و همچنان چه عناصر افراطی خدمات ۱۴ ساله ملت شریف " پاکستان " رانست به مهاجرین اکنون ملوث می‌سازند و چرا حسن روابط همجواری را که دارنموده مقررات بی‌المللی را لگدمال می‌نمایند.



## مروری بر...

نگون ساخت ، انقلاب اسلامی با دادن بهای بسیار سنگین به پیروزی رسید، بهای این انقلاب را بدن های قطعه قطعه شده ۱۰۰ میلیون ونیم شهید پاک باخته تشکیل میدهد و نهال برومندان انقلاب از سیلاب خون شهدای میلیونی بارور شده است ، جهانیان به همت والای ملت غیور و قهرمان افغانستان تحسین کردند، مستضعفین عالم از پیروزی انقلاب بزرگ افغانستان امیدوار شدند دنیای اسلام با جشن و سرور و شوق و شغف کم نظیر پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان را استقبال کردند، مهاجرین مسلمان این کشور در گوشه گوشه جهان و ممالک همجوار و مسلمان از پیروزی انقلاب به خودبالیدن و بی برای بازگشت پیروزمندان بی وطن عزیز آماده و دقیقه شماری میکردند که در اعمار مجدد مملکت خراب شده شان سهم گیرند و در بازسازی و نو سازی کشور انقلابی خود شرکت نمایند، چند روزی از پیروزی انقلاب نگذشته هنوز تشکیل ناقص دولت موقت جاه نیفتاده بود، دولت موقتی که عجلانه در پشاور پاکستان طراحی و بصورت انحصاری و سفارشی توسط شش تنظیم بدون شرکت بسیاری مجاهدین که در راستای شورای مشورتی حاجی کمپ راولپندی و به اساس دولت موقت قبلی پی ریزی شده بود راه نیفتاد و برای فراگیر شدن دولت موقت و شرکت همه مجاهدین و ملیت های رزمنده ساکن این کشور گفتگوهای در جریان بود که بتوافق نزدیک میشد، حزب وحدت اسلامی افغانستان با قبول شدن بعضی خواسته های برحقش آماده گی خود را در شرکت بدو اعلام کرد .

متاء سفانه حرکات مغرضانه و اقدام فرصت طلبانه شخصیت های قدرت طلب تمام امیدهای مردم را به ناامیدی تبدیل کرد همه افتخارات جهاد ۱۴ ساله را در یاد داد و جهانیان را متعجب ساخت ، حملات وحشیانه اتحاد سیاف به حزب وحدت اسلامی بدستور و شرکت و هابیهای سعودی در شهر کابل آغاز گردید که بعد از شکست نظامی در برابر مدافعین حزب وحدت مناطق شیعه نشین شهر کابل را بر اکت و موشک بست بخشهایی از شهر را بویرانه ای- تبدیل و صدها انسان بیدفاع را در زیر آوار خرابه ها به شهادت رساند، با درخواست مکرر حزب وحدت که اختلافات از طریق مذاکره حل شود سه مرتبه حملات اتحاد سیاف تکرار گردید و گاهی حملات موشکی اتحاد سیاف به شهر کابل آنقدر شدید بود که خبرنگاران گفتند در سالهای

طولانی جنگ این شدیدترین حمله بر شهر کابل بوده است ، مردم کابل که ۱۳ سال در جهنم کمونیست ها بسر برده بودند از رژیم اسلامی احساس آرامش میکردند، با حمله " سیاف " وحشت زده شدند، هنوز از جنگ های تحمیلی اتحاد سیاف آسوده نشده بودند که جنگ قدرت بین حزب اسلامی و دولت موقت با شدت هر چه تمام تر آغاز شد و شهر کابل به لوزه درآمد، از اثر انفجار موشک ها و از دود و خاک کابل تاریک گردید در طی سه روز بیشتر از چهار هزار موشک در شهر کابل اصابت کرد، شهر زیبای کابل که تنه دار و نوار افغانستان بود ویران شد، شهر کابل که تمام سرمایه های ملت در آن جمع شده بود بخرابه تبدیل گردید هزاره و یشتون ، از بک و تاجیک ، شیعه و سنی و اهل هنر و دیپلومات های خارجی در کابل قتل عام شدند، هزاران نفر کشته و هزاران دیگر معلول و دهها هزار نفر از انفجار بمب ها بمب مرض اعصاب و جنون مبتلا شدند و هفتاد و هفتاد و تمام از آسمان کابل موشک و خمپاره ، راکت و گلوله توپ بارید، روی کدام جواز شرعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این کشتار وحشیانه را انجام دادند، اهالی مسلمان و بی دفاع شهر کابل تمام هستی خود را از دست داده قلب های شان از دیدن اجساد قطعه قطعه شدن دوستان و همسایگان و فرزندان شان پر از خون و چشم های شان پر از اشک در اطراف کابل مهاجر و آواره شده اند، در حالیکه دوستان هم مرزهای خود را بروی شان بسته اند، شهر دومیونی کابل را خراب و اهالی آن را فرار پاکستان هندوستان ، ازبکستان ، تاجیکستان و در ولایات افغانستان در ویرانه های باقیمانده از ارتش سرخ پراکنده ساختند .

اهالی کابل که ۱۳ سال شکنجه ارتش سرخ و دولت وحشی کمونیستی را تحمل کردند و پیروزی انقلاب اسلامی را از اعماق قلب استقبال کرده جشن گرفتند در دولت مجاهدین بانیستی و نابودی و فقر دسته جمعی مبتلا شدند عده بادست خالی و بیای برهنه و پیاده فرار کردند و عده که باقیمانده است در زمستان سرد کابل نه تنها از مواد سوختی خبری نیست بلکه از مواد اولیه حیاتی (آرد و گندم و...) هم چیزی وجود ندارد، در بیمارستانها هم مجروح از نرسیدن دارو و نبودن داکتر و نداشتن خون به شهادت رسیدند، مهاجرین که بعد از پیروزی انقلاب در تهیه بازگشت بوطن بودند همه و همه در اندوه دوستان شان مبتلا شده اند چون نمیدانند به بازماندگان واقربا شان در کابل چه

رسیده است .

افتخاراتیکه نصیب مجاهدین افغانستان در مبارزه با ارتش سرخ و سرنگونی رژیم مارکسیستی شده بود، با این رفتار غیر انسانی و حمله بر شهروبی دفاع پایتخت از بین رفت ، آقای استاد ربانی در کنفرانس غیر متعهد خواستار جبران خسارت از روسیه شدند که حرف حق است ، ولی خسارات کابل را چه کسی جبران میکند؟ در حالیکه رهبران مجاهدین نیک میدانند در افغانستان قدرت مطلقه به زور سرنیزه و ضرب اسلحه بدست نخواهد آمد و اگر ممکن بود بزرگترین اسلحه ارتش سرخ روسیه با خود در افغانستان آور دیکار بر دویه هیچکسی هم رخ نکرد و شکست مفتضحانه را پذیرا گشته قرار کرد، وهم خوب میدانند که در انقلاب ۰۰۰۱ افغانستان همه ملیت های مبارز سهم گرفته اند و تا همه به حقوق سیاسی، اجتماعی خود نرسند تسلیم هیچ اسلحه و قدرتی نخواهند شد و صلح هم برقرار نخواهد گشت و رهبران آگاه هند که لیدر قضیه در نشست ها و مفاهیم دوستانه و اعتراف به حقوق حقه و مساویانه همه اقوام و قبایل است . باز هم حزب وحدت اسلامی بر همان مواضع اصولی خود پافشاری نمود از همه مجاهدین دعوت مینماید که برای برقراری صلح و ثبات و امنیت کشور هم دیگر را قبول نموده بان نشست های دوستانه و مفاهمه قضایا را حل نموده انقلاب را از شکست و مملکت را از ویرانی بیشتر نجات دهند . پایان

بقیه : از عربستان سعودی ژاندارم منطقه؟؟

" ژاندارم منطقه " اما خود در چاه آرزو ها دفن گردید .

دلیل دیگر :

بیداری و بیدار شدن ملت مظلوم و فقیر حجاز بالاتر از آن است که فکرمی کنیم، چه فشارهای ظالمانه و مذبحخانه رژیم بر ملت و غصب دارا نسی بیت المال و حیف و میل آن به مصرف و ابزار عیش و نوش خانواده لایالی سعودی در اروپا و آمریکا در بیداری و موضع گیری های ملت مقابل آل سعود و خدمات روشن گری های دسته های سیاسی احزاب انقلابی اسلامی حزیره العرب تقریباً " صدساله رایک ساله می روند و جرقه بیش لازم ندارد ؟!

صحبت به اینها تمام نمیشود به اساس سیاست چند جانبه آمریکا که همیشه بر مقیاس هشت پهلو کارگر بوده و این سنئوال ایجاد میشود که اقمار سعودی (گروه های وابسته به سعودی در افغانستان که اکنون با سلاح های خود قلب ملت مظلوم افغانستان را نشانده





### صربها صهیونیسم دیگری در...

اسلامی موقف یافته که درین راستانه تنها جوامع جهانی اقدام مثمر بعمل نیاورده اند بلکه کشورهای اسلامی نیز باین تفاوتی عملا اعراض شانرا از فلسطین نشان داده اند همین بی تفاوتی ها و شعارهای تو خالی باعث گردیده تا اندیشه صهیونیستی تشویق گشته اینک پس از تجزیه یوگوسلاوی نیروهای صرب با همان اندیشه خاخام های اسرائیل به قتل عام مسلمانان بوسینا هرز و گوئین پرداخته جنایاتی را که اسرائیل در صبر اوشتیلا انجام دادند توسط صربها عینا " تکرار میشود .

خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۳ مرداد ۱۳۷۱ می نویسد " از نیروهای صرب پرسیدم چرا خانه ها را آتش میزنید ؟ در پاسخ گفتند، این خانه ها متعلق به مسلمانان است و ما نمی خواهیم آنها بازگردند . " همچنین همین روزنامه مینویسد " سفیر انگلیس در آمریکا اعلام کرد ( غرب برای جلوگیری از قتل عام مسلمانان بوسنی و هرز و گوئین دخالتی نمیکند ) "

با کمال تأسف جوامع جهانی و کشورهای اسلامی و منادیان دروغین به اصطلاح حقوق بشر در قضیه بوسینا و هرز و گوئین همان شیوه ویر خور دی را دارد، که فلسطین اشغالی را به تدریج به تصرف صهیونیسم در آورند .

صربها علنا " خواهان نابودی مردم و حذف آن کشور از جغرافیای سیاسی جهان است ، سازمان ملل با اعزام چندگروپ امدادی بسنده کرده می خواهد صرف ذهنیت جهانیان را مشغول نگهدارد که به بوسینا کمک شده چرا سازمان ملل اقدامات باز دارنده ای بعمل نمی آورد ؟ مگر همین سازمان ملل نبود که بخاطر تأسفین منافع آمریکا جواز هجوم ۲۶ کشور را برای آزادی کویت نفت خیز علیه عراق صادر کرد ؟ از سوی دیگر آمریکا دم از نظم نوین جهانی میزند، آیا غصب و تصرف ، قتل عام مسلمانان یکی از پروگرام های نظم نوین آمریکاییست ؟ یقینا " چنین است ، چون بوسینا نه نفتی دارد و نه چیز دیگری که منافع غرب در آن نهفته باشد ، لذا اروپا و غرب می خواهند درین محدوده ، جغرافیائی کشور اسلامی ای بوجود نیایند .

درین میان مطابق گزارشهای خبری جمهوری اسلامی ایران ، ضمن اعلام آماده گی خود از جوامع جهانی و کشورهای اسلامی خواسته است که نیروی نظامی ای برای نجات

مردم بوسینا تشکیل گردد ، تا هنوز تنها کشور مالیزی اعلام آماده گی نسبت به این طرح بعمل آورده ، ولی سایر کشورهای خود را بخواب زده صرف با محکومیت روی کاغذ روزنامه های شان اکتفا نموده است ، که بسیار جای تأسف و درد آور است ، اگر اروپا و غرب واژه مقدس حقوق بشر را وسیله ای برای تأسفین منافع شان قرار داده پس مسلمانان بحکم دستور اسلام چه موقف دارند ؟

مولای متقیان علی علیه اسلام در یکی از خطبه های پر شور نهج البلاغه چنین فریاد میزند :

" دشمن طرحهای مکارانه ای دارد ولی شما هیچگونه برنامه جهت خنثی سازی طرح های آنان ندارید ، به محدوده های تحت اختیار شما حمله میکند و آنها را تصرف مینمایند و شما ناراحت نمیشوید ، دشمن در مبارزه با شما بخواب نمی زود ولی شما در غفلت و فراموشی کاری هستید ، بخدا سوگند چنین افرادی برنامه ، بی تفاوت و فرورفته در غفلت شکست خورده و مغلوبند " ( ۱ )

آری وضعیت مسلمانان با توجه به جوهانی چنین است که علی ( ع ) ۱۴۰۰ - سال قبل نیکو بیان داشته ، سرانجام چنین غفلتها از نجیر استعمار را بگردن همه خواهد او یخت .

( ۱ ) ص ۲۰۰ کتاب دشمن شناسی نوشته دامغانی

پایان

### عربستان سعودی را ندارم منطقه ؟؟

حاکمیت شاه ایران ( محمدرضا پهلوی ) و استبداد مطلقه زبرد هشت افگنی های " ساواک " بازار سازمان جهنمی ( سیا ) آمریکا را در ایران گرم و منجربیک انحرافات سیاسی و اخلاقی و اقتصادی را بالا برده و مردم خوب بیر علاوه رنجهای روانی به شکنجه های گوناگون گرفتار بودند .

ولی همیشه لطف خداوند متعال شامل حال بنده گان مستضعف بوده و در عین ظلمت و تاریکی ها از افق امید بارقه دمیده است که سنت تاریخ است ، آمریکا مسئله تسلیح به ایران در زمان شاه هم چون بلائی بر ملت نازل شده بود و آمریکا چون دزدی چراغ بدست به بیغمای ایران دست برد زده بود ، بخصوص که فراماسونری ها ازین هورت بازی بهره

برداری میکردند ، اما قیام ملت مسلمان ایران تحت رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ( رح ) همان بارقه لطف الهی بود که به حضور امپریالیسم آمریکا در ایران خاتمه داده ، شاه با ربابش آمریکا با افتضاح بیین المللی گلم شان از ایران جمع شد و به زیالسه دان تاریخ افتد .

عین مسئله اکنون در جزیره العرب به سعایت و ذلت پذیری آل سعود تکرار شده و بعد از طی تکامل از سال ۱۹۶۴ اکنون بمرحله کاملتری از نظر تسلط آمریکا بر حجاز بمرحله رسیده که حکومت آل سعود باید ژاندارم منطقه در آید تا آمریکا ازین مرکز بر منطقه خاور میانه بال و کوبال بگشاید تا بادوستان دوستی کند و بسا دشمنان خود دشمنی نماید ۱۱

گویارژیم غاصب آل سعود مظالم و اختناقی که بر ملت پابرهته صحرای عربستان در طول تاریخ روا داشته از نتیجه اعمال کثیف خود در هراس است ۱

کشور جزیره العرب که اندر دست حاکم خودکامه آل سعود با همت " فیلی بنیا " گذار عرض با عظمت آل سعود ابتدا در منطقه العقیق در سال ۱۹۱۸ بعد از یک سلسله قتل عام ها براریکه قدرت مستقر ساخت از آن تاریخ به بدسرنوشت جزیره العرب بدست خانواده قلدر آل سعود قرار گرفت که تاکنون ظلما " و غاصبا " با سرنوشت مردم و مقدسات آنها بازی و معتقدات مسلمانان را دست خوش جاه طلبی های رژیم بوده و هست که کافه مسلمین بی اطلاع نیستند .

پس از شکست استعمار امپریالیستی امپراطور بریتانیا ( انگلیس ) تقریبا " در سال ۱۹۴۸ تدریجا " سایه ششوم استعماری او جمع شد و جزیره العرب و منطقه ظاهرا " آثار آنتلی جنت بر چیده شد ، از طرف دیگر شکست آلمان هلتری آمریکا در خویش غروری احساس نمود قهرا " پایه جای پای استعمار کهن سلف گذار و بر منطقه احاطه یافت ، بخصوص که غده سرطانی منطقه ( اسرائیل ) از استعمار سلف ( انگلیس ) برای آمریکا به ارث رسیده که اسرائیل و آن سلف و این ناخلف در مسائل خاور میانه حکایات درازی دارند که نیاز به پژوهش و تحقیقات زیادی دارد و این اسرائیل است که زمینه ساز همه تغییرات و تحولات سیاسی در کل منطقه نه تنها در خاور میانه بلکه تا آسیای دور شعاع آن درازا و پهنای دارد ۱ اما ز همان اوائل غائله تسلط آل سعود و کشتارهای دسته جمعی آن فشار صفحه بعد





**بقیماز : عوستان سعودی زاندار منطقه ؟؟**

بی رحمی های آل سعود بحدی بود که نه تنها در جزیره العرب بلکه در کشورهای عراق و اردن و دمشق و ترکیه و ۰۰۰ بازتاب های داشت که چون آتشی زیر خاکستر ایحادسته بندی های غیر منسجم و ضد آل سعود بود آمد .

بعضی دسته بندی های در جزیره العرب ( حجاز ) که دشمنی های بالقوه و بالفعل آل سعود را احساس کرده بودند، ترتیب و انسجام آن دسته های با عبارت دیگر انقلابیون بوجود آمدند که دارای نظم و نسق خاصی بودند که تا دیر زمان بصورت مخفی در خطر روشننگری و توجه دادن مردم مظلوم حجاز به نقطه خاص مبارزه علیه رژیم بی خدای آل سعود فعالیت داشتند .

گروه های مثل " سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب " و " صدای جنبش اسلامی " و " جنبش روحانیت مبارز " و ۰۰۰۰ تشکیل گردیده بود که هر یک از آن سازمان ها و جنبش ها سازمان یافته و با اندوخته های انقلابی و مبارزاتی در حد متمرقی و منظم اندودر - ابعاد مختلف فعالیت های خویش را آغاز کرده و هر یک از سازمان های مذکور در طول تاریخ مبارزات و قیام های خود صدها شهید و قربانی هستند که حامل پیام ادامه مبارزه و آبی فرو گذاشت نباید کرد، ایثارگرانی که در راه اسلام جان خود را در طبق اخلاص نهادند و تقدیم در راه خدانموده اند .

که الحق معرفت و شناخت و اخلاص مخلصان واقعی ایثارگران و عصیان گران ضد رژیم ریاکار آل سعود، قابل ستایش و عمق نظر است .

مثلا " قیام مناطق شرقی در محرم سال ۱۴۰۰ هجری در شهرهای " قطیف " و ده - صفوی " و " سیهات " و " هغوف " و شهادت قهرمان مجاهد در حسن اتعلاف " و بارانش یا مثلا " قیام جهیمیان العیسی در حرم کعبه ( مکه ) و امثالهم که با شناخت به ماهیت قیام : نظم خاص و خلوص عمل آن مجاهدین پاکباز را بازگو می نماید ۱۱ ( مجله بقیام شماره ۱۶ سال ۱۳۶۹ )

امپریالیسم آمریکا از خارج منطقه بوسیله ذره بین سازمان سیا و اسرائیل منطقه را زیر نظر دارد، از جهت دیگر هراس و ترس آل - سعود یا بگوئیم منافع آن ایجاب میکند تا به کمک پلان و پروژة های مرتبه بصفت دومین نیروی آمریکا در خاور میانه باعث پیشرفت سیاست ارباب و حافظ منافع آن، تنش سریع تر و راتامین نماید .

قدری به عقب برگردیم ، فقط به زمان ختم جنگ خلیج فارس و شکست عراق به یاد ( کنترل فروش تسلیحات بکشورهای شرق میانه ) می افتیم ، بعد از جنگ خلیج فارس آمریکا با بوج و کرات تبلیغات ( خلع سلاح منطقه ) در جهان راه افتاد و هر آن عنوان ( کنترل و نظم جهانی گذارد ) حتی آقای بوش از جمله تبلیغات و گرفتن پاپشت انتخاباتی در آمریکا مسئله راورد زبان و نقل مجالس و محافل خود قرار داده بود، اما چون دروغ زن حافظ ندارد، اخیرا " بیش از ۵ میلیارد دلار قرار داد سلاح های مدرن و پیش رفته را از هواپیما ها ، سنگین و ۰۰۰۰۰ با عریستان سعودی موافقت نمود .

اگر خریداری سلاح های مدرن و سنگین رانه آمریکا توجیه احساس خطر خارجی قلمداد می نماید دو سؤال پیدا می شود ۱- مراد از خطر خارجی یعنی خطر کمونیسم باشد، آنکه پرواضح است ، باشکست فاحش بت کمونیسم شوروی و اقمار آن دیگر محلی برای توجیه آن نیست ۱ و اگر خطر صهیونیسم - اسرائیل باشد ؟ آیا سعودی دلیلی به این خطر دارد، زیرا از اول تشکیل حکومت اسرائیل و اولین ریاست جمهوری " بنگورین " سعودی در مداخلت و مشارکت از قوه بفعل هیچگونه عکس العمل و مخالفتی از خود نشان نداده و تنها با بادهای مخالفت خود را از راه حرفه از خود بخرج داد، علاوه چنانچه زمان فروش طیاره های " اف ۱۵ " از جانب آمریکا به سعودی اسرائیل هیچگونه مخالفت و عکس العمل از خود نشان نداد حتی اظهار نظری هم نکرد ۱

توجیه خطر ۳- خطر عراق است بعد از دخالت آمریکا و هم دستانش در جنگ خلیج فارس و کویت بفرار تبلیغات آمریکا دیگر زرادخانه های جنگی عراق ناتوان شده و قدهت حرکت و تجاوز، خطر حمله عراق وجود نداشت ، اگر تبلیغات آمریکا و غرب درنا توانی عراق راست است، دیگر چه جای احساس خطر برای توجیه قرار داد پنج میلیارد دلاری آمریکا و سعودی باقی می ماند ؟ ۱

جان مطلب در این است ، که قرار داد تسلیحات باندازه معتنا بهی و تحویل آن به سعودی، آیا سعودی افراد متخصص و تکنسین دارد ؟ تا بتواند ازین سلاح ها استفاده نماید که جواب منفی است، در جنگ خلیج عدم توانائی وضع فنی نظامی سعودی بکلی مشهود بود، حتی بقدر ابتدائی دفاع از خود نتوانسته و نمیتواند .

چنانچه ماجرای حرم کعبه و قیام جهیمیان عیسی برای دفع مجاهدان مسلمان

به نظامیان فرانسوی و کوماندهوهای آمریکائی و نظامیان اردنی گردید و سعودی در دفاع انقلابیون حرم کاربردی نداشت . " نیروهای فرانسوی ۲۳ نوامبر ۱۹۷۹ بوسیله هواپیمای " کاراول " از میدان هوائی " ایورو " فرانسه حرکت کردند و بعد از توقف مختصر در دمشق رهسپار عربستان شدند " مجله کوپوال شماره ۲۸ ر ۱۰ ر ۱۹۸۰ .

بدیهی است همانطوریکه اکنون تحت پوشش شرکت آرامکو، کارشناسان نظامی آمریکا در سعودی نظارت بر سلاح های مدرن دارند، در آینده مواد تسلیحاتی سنگین نظارت مستقیم کارشناسان بیشتر نظامی آمریکائی را لازم دارد .

باز هم از بدیهیات است که آمریکا از یک طرف با فروش سلاح های خود به آل سعود، منافع نظامی و اقتصادی خود را تامین می نماید، و در جبهه دیگر با ساختن پایگاههای نظامی در سرزمین حجاز با مخارج سنگین و - هزینه هنگفت رژیم دلیل سعودی را برای خود تبدیل می نماید و به این وسیله کارشناسان نظامی خویش را در آنجا مستقر می نماید، چه آنکه بدون نظارت کارشناسان نظامی اجنبی نیروی سعودی بهره برداری نمی تواند ۱۱ پس این زاندارم در جزیره العرب با زاندارم ایران در زمان شاه چه فرق دارد آمریکا همان، سیاست یغماگری اش همان ۱۱ رژیمی که با قرار داد سال ۱۹۶۵ حفظ و حراست خود را مهون حضور نظامیان آمریکائی میداند و در سال ۱۹۶۶ به بعد در سطح عربستان دارای هفتاد پایگاه و پناهگاه نظامی از طسرف آمریکا ساخته شده و بالاخره رژیمی که با کمال ذلت و پستی عوض قیمت طلای سیاه خود بیه آمریکا اسلحه قتاله دریافت میکند ۱۱

آیا ذلت ازین بیشتر باشد که ما حاصل درآمد که از آن ملیتی فقیر و پابرهنگه و همه ملت حجاز در آن ( طلای سیاه ) سهیم است با مواد تسلیحاتی معامله و تبادل می نماید .

آیا آمریکا در گرفتن نفت به یک دست فروش در بازارهای آزاد آمریکا منافی را برای خود قائل که عین آن در فروش تسلیحات مستقیما " به سعودی و بکار اندازی هزاران نفر بنام کارشناس ، متخصص ، تکنسین و ۰۰۰ و ۰۰۰ در سعودی برچاپیدن بانگ های سعودی چون موریانه می گردند .

در حقیقت حکومت آن خواب پریشان شاه ایران را دیده است که با دست خود چاهی عمیق حفر کرد و دل خوش بود به





از : استاد محقق افشار

## میلاد

هفدهم ربیع الاول روز مبارک میلاد سعادت بنیاد منجی بشریت، راهنمای حق و حقیقت پیشوای راستین انسانیت پیامبر خاتم نبی اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و اله وسلم است، این جشن بزرگ و عید سعید بهمه مسلمین عالم مبارکباد، بدین مناسبت برای آموختن درس های عملی از زندگی آن حضرت مطالبی از فرازهای زندگانی خیر البشر و رحمة للعالمین برشته تحریر درمی آید تا برای امت مسلمة درس های ارزنده باشد، چون دستور قرآن کریم است (بر رسول خدا حضرت خاتم الانبیاء ناسی و اقتدایمانید) که رستگار و سعادت مند شوید. ولادت پربرکت آن حضرت در عصر و زمانی تحقق یافت که جهان بشریت در توحش و بربریت بسر می برد و در تاریخ به قسرن جاهلیت شهرت دارد، رسول اکرم ص در آنوقت نور افشانی کرد و جهان را بسوی حق و فضیلت راهنمایی فرمود، در آن عصر منطقه به دو قطب متضاد تقسیم شده بود که دائم به عنوان دوا بر قدرت باهم در جنگ و ستیز بودند، ایران و روم - قدیم در منطقه دو تاغول قوی نظامی بشمار می آمد که صدها هزار انسان را در لشکر کشیها و در روی هم قراردادده بحان هم انداخته جوی خون جاری کرده قتلگاه و کشتارگاه بزرگ از ادیان می ساختند و هزاران انسان را قربانی هوس های توسعه طلبی و قدرت نمائی و جهان گشای خود میکردند " قرآن کریم از فتح روم خبر داد، الم غلبت الروم ۰۰۰۰ پیامبر اکرم ص برای امت از پیروزی اسلام عزیز و دین حق و آئین راستین بر قدرت های طاغوتی روم قدیم و فارس آن زمان خبر داد و از اسلام آوردن آن مردم مژده داد " در وقت حفر خندق در عزوه احزاب از حاکمیت اسلام بر قصرهای سفیدمدائن و اسلام آوردن ملت فارس برای مجاهدین که در حفر خندق شرکت داشتند بشارت داد (تاریخ حیات القلوب)

امادر جزیره العرب کمال وحشت و بربریت خرافات و جاهلیت حکم فرما بود، اخلاق انسانی کاملاً مسخ شده و حیوان های انسان نما مسلط بودند و خود پرستی کبر و خودخواهی فساد و عیاشی، قساوت و بی رحمی جامعه را فرا گرفته میکشید و او فاحشه خانه ها، کاباره ها و قمارخانه ها رونق و شهرت زیاد داشتند از مراجعین و خریداران وافر برخوردار بود ظلم و ستم تعدی و تجاوز، حق تلفی و ضعیف کشی

سیره عموماً قرار گرفته بود، در جامعه طائفه نسوان و طبقه زنان مانند کالای تجارتي مورد معامله و مصالحه قرار میگرفت هیچ حقوق انسانی و اجتماعی برای شان قایل نبوده انواع - نکاحها بین شان رواج داشت، دختران رامی کشتند و زنده بگور میکردند در زیر خاک پنهان مینمودند که در این مورد قرآن کریم میفرماید " **بای ذنب قتلت ۰۰۰** " در اطراف کعبه **معظمه که بیت مقدس بود برهنه طواف می کردند**، شعار همه بت پرستی بود کعبه مکرمه رابت خانه ساخته بودند و پر از بت کرده بودند هفتاد بت را بنام های هیل، عزی و منات و ۰۰۰ بر رواق کعبه قراردادده بودند علاوه بر بت های که در قریه ها داشتند هر خانه برای خود بت داشت که آن را پرستش میکردند انواع بت داشتند، بت طلائی، نقره، سنگی چوبی گلی و خرمائی از خرما درست میکردند می پرستیدند، گرسنه می شدند آن خدای خرمائی را می خورند تاریخ داستان های حالب را از بت پرستان نقل کرده است، روزی عرب بت پرست آمد مقابل مجسمه بت که پیش روی قلعه نصب کرده بودند تعظیم نمایند جهاز شتر در دستش است، چشم شتر به هیکل و مجسمه بت افتاد درم کرد فرار نمود در بت پرست ناراحت شد با کمال عصبانیت از راه قهر و غضب سنگ برداشت بر کله بت کوبید سربت را خورد ساخت، صدا کرد " انت بیس الرب " تو بت خدا هستی شترم را از من جدا کردی و فرمانسیدی پیامبر رحمت که هنوز چشم بجهان مصادی نگشودمه بود که پدر را از دست داد و چهره پاك پدر را ندید و هنوز خورد سال بود که بمصیبت مرگ مادر مبتلا شد، کفالت آن حضرت بدوش عم بزرگوارش ابوطالب قرار گرفت ابوطالب که به برادرزاده اش سخت علاقه دارد و سفارش های عبیدالمطلب هم همراه بود با کمال مهر و محبت عهده دار کفالت محمدا مین (ص) شد و در راه حفظ و حراست آن بزرگوار از هیچگونه کوشش و تلاش کوتاهی نکرد، پیامبر اسلام در جامعه آنقدر پاکی و طهارت، راستی و صداقت، فداکاری و شجاعت، درستی و امانت تبارز داد که در بین مردم افتخار شهرت امانت را کسب کرد از محمدیتیم به محمدا مین لقب دادند، زمانیکه مبعوث برسالت شد بفرمان " فانذر عیشتك الاقربین " دستور یافت که دعوت باسلام را از قریب آغاز نماید از نبی هاشم م در منزل عمویش ابوطالب دعوت کرد و گوسفند را ذبح و ضیافتی را ترتیب داد و بعد

از تجمع همه اقوام دعوت خود را علنی کرد در مقابل همه سکوت کردند، قرار نقل طبری جز علی ابن ابیطالب که هنوز پسر خورد. ال برد از جاه بلند شد صدراک داشه دانك رسول الله پیغمبر ص فرمود علی جان شمان شنیدت با بزرگان حواب بگوید سه مراتب کلام رسول اکرم تکرار شد و فرمود هر کس امروز اول دعوت من را لبیک گوید او وصی و جانشین من خواهد بود در هر سه دفعه علی (ع) لبیک گفت پیامبر صورت علی را بوسید و در آغوش گرفت و فرمود علی جان تو جانشین و قاضی دین من هستی که هر کدام از مدعیین حرف هائی گفتند ولی ابولهب یکی از عموهای پیامبر (ص) مخالفت را از همان جا آغازید و به طعنه ابوطالب را خطاب کرد شمانه تنها از محمد ص پیروی کنید که بعد از این از پسر کوچک خود علی هم باید حرف بشنوید، بعد از سه سال زمینه سازی دعوت را علنی کرد و در راه ترویج اسلام و هدایت انام و ریشه کن ساختن بدایع و خرافات زحمات زیاد کشید، تشنه گان حق و جویندگان حقیقت به حضرت گرویدند سخنرانی جذابش قلب ها را جلا میداد و حق پرستان برای شنیدن حرف حق زمین گیر میشدند، خست، برده گان تحت ستم و فقرای ستم کشیده هر روز بیشتر از پیش شیفته کلمات رسول خدای شدند ولی کفار مکه و بت پرستان جاهل غلامان و برده گان را از شرکت در جلسه رسول خدای منع میکردند خود شان در وقت صحبت رسول اکرم انگشت را در سوراخ گوش های شان میکشیدند تا حرف حق را نشنوند، روز بروز تعداد مسلمین افزوده می شد ولی عداوت و لجاجت کفار و بت پرستان هم شدت میگرفت، میگفتند ما دهها خدایان ترک کرده خدای نادیده رامی پرستیم القاب زشت دیوانه و ساحر و امثال آن را نسبت بر رسول خدایانند تا جمع شدند و مبارزه را دسته جمعی آغازیدند جمعی آمدند نزد ابوطالب گفتند برادرزاده ات از بت پرستان خدایان ما و جهنمی خواندن پدران ما چه مطلب دارد اگر راستی مریض است بهترین طبیب را برای علاج او احضار کنیم و اگر فقیر است پول می خواهیم مال در اختیارش قرار میدهم، زن می خواهد هر دختر عرب را انتخاب نماید بیه ازدواجش درمی آوریم، اگر ریاست مکه رامی خواهد ما حاضریم اورا رئیس خود قرار دهیم بشرط اینکه خدایان ما را بندگان گوید و دست از دعوت دین جدید بردارد چند مرتبه به ابوطالب مراجعه کردند و در اخیر تهدید کردند که اگر دست از حرف هائی که میگوید





برندارمادسته جمعی شد با او خواندان شما مبارزه خواهیم کرد، و قتیکه پیشهاد کفار را ابوطالب به عرض رسول اکرم ص رسانید پیامبر خدا ص را دعوت نمودن و قسم بخدا اگر این همان منظومه شمس را اختیار داشته باشند که بتوانند آفتاب را در دست راست من و مهتاب را در دست چپ من قرار دهند و از من بخواهند لحظه از دعوت من دست بردارم اصلاً این کار را نخواهم کرد، تا موفق شوم مردم را هدایت کنم و به هدفم نایل شوم یا در این راه جان بسپارم . تاریخ دارد که ابوطالب گفت : حال که چنین تصمیم دارید شما دعوت تان را دنبال کنید و من با تمام توان از شما حمایت خواهم کرد که این حمایت بزرگترین دلیل است برایمان ابوطالب به رسول خدا ( ص ) و دین اسلام که مصلحتاً آنرا کتمان میکرد، برستی اگر ایمان و اعتقاد منی داشت ایام ممکن بود که آنقدر از رسول خدا حمایت نمایم .

کفار تصمیم گرفتند که بابنی هاشم ترك مراده کنند دست از حمایت خانواده عبدالمطلب بردارند قطع معامله دادوستد کنند چیزی به آن هانفرو شدند و چیزی از آنها نخرند، رفت و آمد نکنند در دارالندوه جمع شدند با تشکیل انجمنی قرار داد را امضا کردند نزد کسی گذاشتند از آن روز تحریم اقتصادی اجتماعی، معاملاتی رابه اجرا گذاشتند ابوطالب محبور شد که شهر را ترک و در مغاره کوهی که با اسم شعب ابی طالب شهرت دارد کوچ نماید و در آن جا که منطقه استراتژیک است و میگیتوانند از خود دفاع نمایند پناهنده شدند و هجرت کردند، شبها از رسول اکرم ص بچه های ابوطالب پاسداری میکرد سه سال این رویه ادامه داشت تا رسول اکرم ص به ابوطالب فرموده کفار ابلاغ نمایند عهدنامه شان را موربانه از بین برده است ابوطالب

به کفار ابلاغ کرد، بررسی کردند که تمام نوشته جزا های که اسم خدانوشته شده است موربانه خورده تحریم اقتصادی را شکستند از شعب ابوطالب در مکه مراجعت کرد باز هم رسول اکرم ( ص ) دعوتش را تعقیب کرد محبور شد بارانش را در حبسه بفرستد که از دسترس کفار بدور و مصئون بمانند و خودش شب هنگام جانب مدینه منوره مهاجرت فرمودند در طریقی سیزده سال در مکه و ده سال در مدینه مدت بیست و سه سال دعوت رسول اکرم ( ص ) طول کشید .

در طی بیست و سه سال سعی و تلاش کرد و قانون جاودانی وحی الهی قرآن کریم را که

تأقیامت پاسخگوی نیازهای فردی و جمعیتی بشر است در اختیار انسان ها گذاشت ، با تکمیل دین اسلام ختم رسالت اعلام گردید حالات و زندگی رسول اکرم اسوه و الگو برای مسلمین است ، خصوصاً " صبر و حوصله و استقامت آن - حضرت که تا رسیدن به هدف مقدسش تمام زحمت ها و رنج ها را تحمل کرد که فرمود " هیچ پیامبری مثل من در راه ترویج دین اویت نشده است ، بزرگترین درس است که در راه رسیدن بمقصود باید استقامت و پشتکار داشت ، خداوند همه بشریت را در راه آن حضرت هدایت فرمایم - دانشا لله . پایان

**بقیه از : شهید صادقی . . .**

فراوان و ذخایر و معادن سرشار برخوردار می باشد ولی چون دولتهای طاغوتی از این امکانات خدادادی بطور صحیح و اصولی برای بالا بردن امور اقتصادی کشور و بهبود یافتن چرخش زندگی روزمره مردم استفاده نکرده اند - افغانستان در عین حال از فقیرترین و مظلوم ترین کشورهای جهان است . و در طول سالینان متمادی از میلیونها هکتار زمین مزروعی و قابل زرع کشور که نقش مهم و اساسی را در رشد و شکوفای اقتصادی و پیشرفت امور کشاورزی - داشت در سراسر افغانستان خصوصاً در مناطق مرکزی توسط دولت و حکومت ، زمینه مساعد و شرایط لازم فراهم نگردید لذا استاد گرانقدر و عاشق دلسوخته برای خدمت به کشور ، برای بهبود یافتن وضعیت اقتصادی خصوصاً توسعه کشاورزی که تنها منبع درآمد و وسیله امرار معاش شبانه روزی مردم میباشد دستاوردها و احداث جوی های جدید و استفاده از رودخانه های بزرگ را داد و خود نیز در این امر سرنوشته ساز و خادایان پیش قدم گردید و ایمن حرکت استاد در کل مناطق آزاد شده ، تحول بسیار عمده ای برای پیشرفت امور زندگی و توسعه زمین های زراعتی مردم بوجود آورد .

استاد صادقی در این زمینه بقدری اهمیت قابل بود که جهت تشویق و ترغیب مردم منطقه ، در قدم اول شخصاً اقدام به نهر کشی ( احداث جوی بزرگ جدید ) در منطقه غدار نمود که پس از سه سال زحمت و تلاش شبانه روزی این مرد خدمت گذار هم اکنون در حدود ۷۰ الی ۸۰ خانوار از زمین تازه آباد شده ، امرار معاش می نمایند در حالیکه در اوایل کار کسی باور نمی کرد که استاد صادقی با امکانات

موجود ، موفق به چنین کار عظیم گرد و در زمانی که از نزدیک جوی جدید الاحداث استاد صادقی را دیدم پذیرفتن این مسئله با حداقل امکانات بعید بنظر میرسید .

**۶- احیای مجدد علف زارها و درخت کاری در منطقه :**

یکی از زیانیهای غیر قابل انکار که از گذشته های دور خصوصاً در زمان انقلاب اسلامی برای آینده کشور احساس میگردد استفا های بی رویه مردم از مراتع و علف زارها و جنگلهای کوهی منطقه بود و از طرفی آزادی عمل آنان و نبودن قوانین و مقررات ویژه در این رابطه خود عامل دیگر برای از بین رفتن چراگاه و علف زارها شده و مسئولین و دست اندرکاران را وادار می نمودند که جلوی این گونه امور را بگیرند در این راستا استاد صادقی طرحی را ارائه نمود که افراد حق قطع کردن درخت کوهی را ندارند و همچنین برای ایجاد فضای سبز و توسعه امور جنگلداری هر فرد موظف است که اول سال در کنار رودخانه ها و زمین ها و چاههای مناسب درخت کاری نماید و برای احیای مراتع و علف زارها باید تخم علف در مکانهای لازم کاشته شود که این روش استاد خدمت برای نسل آینده و کشور بود حتی قبل از انقلاب توجهی که ایشان در امور نهال شانی داشت مردم نیلی و سنگ موم ، دشت و ۰۰۰ بر اثر تشویق و ترغیب وی در جهت غرس نهال بادام و درخت مثمر هم اکنون سالانه میلیونها پول افغانی درآمد دارد .

**۷- حفاری چشمه ها و قناتها :**

یکی از راههای که تا ئیر عمده در توسعه امور زراعتی و بالابردن حاصلات و عایدات زمین داران کندن چشمه ها و لایروبی قنات ها است که استاد صادقی در این زمینه نیز تلاش پیگیر نمود و اقدام وی الگوی برای مردم در اکثر مناطق همجوار شده و زمینهای زراعتی شان را از این طریق چند برابر نمود .

والسلام

**بقیه از : عربستان سعودی ژاندارم منطقه ؟ ؟**

می روند، این سلاح سبک و سنگین پیش رفته که از کاتم بخشی های سعودی است ، راستی می خواهند که به جانشینی امپریالیسم شرق " - روس " امپریالیسم آمریکا و غرب را در افغانستان جایگزین کنند ؟ ؟ )  
سؤال ایست که در آینده نزدیک جوابش در سطح جامعه از خنجر مظلومانه جامعه مسلمان افغانستان بلند و روشن خواهد شد . پایان





**شهید صادقی ستاره درفشان انقلاب اسلامی افغانستان**

**بخش دوم از قسمت ششم**

**۱- احداث مدرسه علمیه .**

از آنجائیکه هرگونه حرکت فکری و فرهنگی و تعلیم و تدریس علوم و معارف اسلامی و بالاخره تربیت شاگردان و طلاب علم و دانش، نیاز شدید به یک مرکز و مکان مناسب دارد. استاد صادقی در این زمینه، مدرسه علمیه ای در سرنیلی و در این او را خریدن بازاری جدید بنام مدرسه علمیه مهدیه که گنجایش حداقل یکصد نفر طلبه را دارد، شخما " احداث نمود و تمام امور ساختمانی آنرا بدست خویش فراهم ساخت که این مدرسه با در نظر داشت وضعیت منطقه، در نوع خود کم نظیر بوده و در آینده بعنوان مرکز مهم علمی و فرهنگی محسوب خواهد گشت .

استاد در شرایط بسیار حساس منطقه حتی در زمان جنگهای داخلی میان احزاب به دور از جو ناسالم اجتماعی حاکم بر مردم و رقابتهای کاذب مسئولین گروهها مبنی بر تصرف مناطق و ایجاد پایگاههای نظامی برای رفع نیازمندیهای طلاب شاغل و تاهمین مخارج و مصارف آنان و نظم و نسق امور مربوطه تلاش نموده و باین حرکت مقدس والهی، بزرگترین خدمت را به مردم و جامعه اسلامی و فرهنگ مقدس تشیع انجام داد .

**۲- احداث بازار جدید در نیلی و توسعه مرکز خرید و فروش در بقیه مناطق :**

گرچه قبل از انقلاب اسلامی در مناطق سنگ موم و خدیرو ۰۰۰ تعدادی انگشت شمار، دکان و مغازه ، برای رفع امور روزمره و تهیه امکانات زندگی مردم وجود داشت اما با توجه به کثرت رفت و آمد و جمعیت مردم و عدم رعایت مسایل اسلامی و نامنظم بودن شیوه احداث و ۰۰۰ ایجاب مینمود که در این رابطه فکراساسی گردد و از طرفی با گذشت زمان این مراکز، نزدیک به خراب شدن بود که در نتیجه تا همین مابین احتیاج مردم از قبیل تهیه مواد غذایی، لباس و ۰۰۰ در وسط زمستان با وجود کثرت برف و شدت سرما مشکل بود لذا استاد صادقی در قدم اول بازار جدید نیلی را جهت توسعه بخشیدن به امور خرید و فروش و تجارت مردم که در حدود پانصد = ۵۰۰ باب دکان می باشد شخما " احداث کرده و بخشی عظیمی از کارهای ساختمانی آنرا بدست خویش آباد کرد .

استاد جهت تشویق و ترغیب مردم به

عنوان کارگر " استاکار ) کرایه شده و همانند امیرالمؤمنین علی علیه السلام روزها بیل می زد با اینکه استاد از نظر موقعیت اجتماعی و مقام علمی در منطقه جایگاه ویژه داشته و برای کسانی که از نزدیک با او آشنا نبود و یا احیانا " افرادی که از مناطق دیگری آمدند وی را در بین گل ولای و بیل بدست مشاهده مینمودند مایه تعجب بودند که استاد صادقی که در سنگرهای مبارزه با دشمن ، فرمانده قهرمان و شجاع و از نظر مقام علمی بهترین مدرس و معروفترین عالم ، و در سنگر تبلیغ اشنا ترین چهره و سخنور توانا و از نظر موقعیت اجتماعی اولین فرد در سطح مناطق مرکزی و در میان مجاهدین ، محبوب ترین شخصیت و از نظر نظامی آگاه و آشنا به مسایل و فنون رزمی و ۰۰۰ مثل یک کنار گرعادی با دستمزد اندک کارکنند او نه تنها بیک عالم و روحانی و یک فرمانده لایق و استاد ماهر بود بلکه یک مهندس توانا و آشنا به مسایل ساختمانی نیز بود .

استاد در مراحل بعدی با ایجاد هماهنگی با مسئولین بقیه مناطق زمینه ای توسعه بازار خرید و فروش را در جاهای دیگر : جرف خدیرو ، شیش و هجدی و ۰۰۰ فراهم نمود و بدین ترتیب بسیاری از مشکلات اقتصادی را در منطقه حل نموده و رونق بیشتر در چرخش زندگی مردم بخشید .

**۳- تعمیر و بازسازی مکاتب در منطقه :**

همزمان با انقلاب اسلامی و قیام مسلحانه مردم مسلمان مناطق مرکزی در برابر رژیم منقرضه کی و ضرورتها و شرایط جبهه و جهاد تمام مکاتب و مدارس که در زمان تسلط دولت فعال بود اکثرا " بحالت تعطیلی کشانده شده و در مرور زمان تخریب گردیده و از بین رفته بود که این امر سبب محرومیت فرزندان مظلوم انقلاب و نونهالان عزیز و ضربه بزرگ فرهنگی به آینده کشور و اسلام بود و از طرفی با خیزش قیام اسلامی در منطقه و فراهم شدن فضای باز و کاملا " آزاد روی کار آمدن علما و روحانیون در اداره مردم و انتظار بالا بردن سطح فکری و فرهنگی انقلابیون از جانب آنان و ۰۰۰ نه تنها مدارس و مکاتب قبلی فعال گردید بلکه اکنون باید برای رشد آگاهی و فکری مردم و از بین بردن جهل و بیسوادی تلاش بیشتر انجام شود برای این اساس استاد صادقی در تمام مناطق آزاد شده خصوصا " در سطح ولایت ارزگان تلاش فراوان کرده مکاتب و مدارس را تعمیر و بازسازی نموده و زمینه تحصیل آینده سازان کشور را فراهم ساخت ببعنوان نمونه در زادگاه استاد مدرسه ای تقریبا " با " هشت ) صد نفر دانش آموز و ده نفر معلم در دونوبت با حداقل امکانات فعال گردید و در بسیاری از مناطق که قبلا " مکتب و مدرسه ای وجود نداشت بدستور استاد احداث

گردید که این کار با توجه به وضعیت جنگی در منطقه مشکل بنظر میرسید . لازم به ذکر است که یکی از خدمات بزرگی که استاد انجام داد فراهم کردن زمینه مساعد برای تحصیل دختران در منطقه بود که در طول تاریخ دوران حکومت ستمشاهی از نعمت سواد محروم بود و بعنوان قشر مظلوم و محکوم در جامعه اسلامی مازندگی میکردند ولی پس از آغاز انقلاب ، استاد با وضعیت حاکم در جامعه و سنت های دست و پاگیر خانواده کی نسبت بزنان مبارزه کرده و نقش این قشر را در اداره کشور بعنوان نیمی از پیکره جامعه اسلامی و همچنین حضور در صحنه انقلاب با حفظ موازین شرعی و اسلامی لازم میدانست که این امر خود نیازی به بحث و بررسی کامل دارد .

**۴- تعمیر و بازسازی جاده ها و خطوط مواصلاتی :**

با توجه به اینکه مرمت و بازسازی خطوط مواصلاتی و کشیدن جاده ( سرگد ) در مناطق قبلا " وجود نداشت یکی از عوامل مهم و اساسی در رفع مشکلات و گرفتاریهای اجتماعی و اقتصادی و نقل و انتقالات محموله های سنگین ، جهت امر معاش مردم محسوب می شد استاد صادقی کمر بسته و با همیاری مردم و تلاش مسئولین صدها کیلومتر از جاده ها را تعمیر و بازسازی و صدها کیلومتر دیگر را در منطقه آباد ساخت و امروز بحمد الله از برکت روح مقدس این شهید مظلوم و ایثار و فداکاری مسئولین دلسوز حزب وحدت اسلامی افغانستان و حمایت و پشتیبانی بیدریغ ملت مسلمان ما از طرحها و برنامه ریزیهای دست انبزرگاران تشکیلات ، راه های ارتباطی و خطوط مواصلاتی در تمامی مناطق فعال شده و ارتباط با وسایل نقلیه به آسانی برقرار است .

اکثریت مناطقی که هم اکنون جاده های مواصلاتی و ارتباطی فعال گردیده است از نظر بعضی اصلا " قابل تصور نبود که روزی - بتوانند جاده برای رفت و آمد موتر ( ماشین ) بسازند که نمونه عینی آن جاده ای است که در منطقه سرتگاب ( بیری ) احداث شده و از کوههای صعب العبور ، حداقل با عرض هفت متر ( رفت و آمد دو عراده موتر در کنار هم ) سرگد بسازند که این کار ، در نوع خود جنگ با طبیعت قلمداد میشود .

**۵- آبادسازی جوی های جدید و استفاده از رودخانه ها :**

استاد صادقی با عقیده به این واقعیت مسلم و غیر قابل انکار ، که سرزمین افغانستان از جمله کشورهای است که از منابع طبیعی



## فراز های از سخنان حجت الاسلام آقای استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در دیدار با هیات بلند پایه برادران کویته پاکستان

۱۳۷۱/۲/۲۳



حجت الاسلام والمسلمین آقای استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در تاریخ ۲۳/۲/۱۳۷۱ - در دیدار با هیات اعضای برادران تنظیم مقیم کویته، ضمن خیر مقدم گفتن به آنان، در رابطه با اوضاع جاری کشور فرمودند:

" ما این پیروزی را بشماتیر بگیم چون این پیروزی مال گروه، طائفه و نژادی خاصی نیست، مال ملت افغانستان است شمار هر جا تیکه باشد از این ملت هست و این پیروزی تعلق به همه ملت دارد. منتها مشکلاتی که ( در طول ) سه صد سال محکومیت، مآثر تاریخ افغانستان داشتیم، محوشده بودیم و کسی بعنوان هویت هزاره قبول نداشت. امروز بحمد الله، بعد از ۱۴ سال مبارزه، ملت ما این افتخار و سرفرازی را دارن که نه غرب گفته میتواند که این ملت را کم کرده ایم و نه هم شرق، باشکم گرسنه و پویا برهنه ۱۴ سال مبارزه کردند، هیچ یکی از اقوام افغانستان نمی تواند که، این مردم، منطقه و... ولایت شان آزاد نبوده، این مردم مبارزه نکرده شهید نداده اند، وقتیکه این هویت برای مردم ماکسب شده، این باعث افتخار همه ما و شما است، منتها مشکل به آخر نرسیده است برای اینکه، دائم انقلاب و تحولات در افغانستان این طور بوده است که مردم افغانستان از نظر نظامی پیروز بودند، جنگهای انگلیس که پیش آمد مردم پیروز بود، که آن روز یک ابر قدرت تنها انحصاری در دنیا انگلیس به حساب می آمد. اولین شکست ( انگلیس ) را مردم افغانستان دادند، آنها شکست خورده رفتند... باز ابر قدرت دیگر که در اینجا ( افغانستان ) عرض اندام کرد، روس بود نصف بودجه دنیا برای جلوگیری از پیشروی روس و مکتب مارکسیزم مصرف میشد، یک ابر قدرتی بود که اگر پنجاه هزار ( بمب ) اتم در دنیا وجود داشت ۲۷ هزاران مال روسها بود تقریباً نصف دنیا را تحت تسلط داشت، ولی مبارزه افتخار آمیز مردم باشهامت افغانستان نه تنها باعث آزادی " افغانستان " شد بلکه، باعث آزادی نصف جهان شد. اگر دیوار بین المان شرق و المان غرب شکسته شد از اثر مبارزات مردم افغانستان بود، اگر اروپای شرقی، آسیای مرکزی آزاد شد، امروز اسیای هویت یافته اند از اثر مبارزه مردم افغانستان بود."

وزیر خارجه روسیه گفت: ما ناخن خود را داغ کردیم، نمی خواهیم دیگر، در خائلی دخالت بکنیم...

" متأسفانه در بخش سیاسی مردم افغانستان " در گذشته هم بهره ای از مبارزه خود نگرفته بود وقتیکه با انگلیس مبارزه کردند یک حکومت ملی، مردمی و اسلامی تشکیل داده باشند، موفق نشده بودند، دشمن را از در بیرون کردند، از پنجره وارد شد، امروز هم که روسها را شکست داده اند، متأسفانه باز هم، این حق را به مردم " افغانستان " نمیدهند که خود دولت تشکیل دهند و خود تصمیم بگیرند.

لهذا از نگاه، هویت سیاسی و حضور نظامی تا وقتیکه کابل فتح نشده بود، تمام برادرانی که در خارج بودند می گفتند: مردم هزاره جهاد نکرده، برای اینکه منطقه شیان منطقه ای سوق الجیشی و کوهستانی بود که از آن دورند، دیگر روسها نتوانستند آنجا بروند. ولی وقتیکه کابل فتح شد مردم هزاره ثابت کردند که نه، ما جهاد کردیم، ما هستیم، شما نمی توانید بگوئید که دو فیصد یا ۳ فیصد، بل اکثریت قاطع مناطق کابل در دست مردم هزاره است الان در مسایل سیاسی، حذف نمیتوانند ولی متأسفانه حاضر نیستند که طبق هویت نفوسی و واقعیتی که دارند برای شان سهم قایل باشند...

ایشان در رابطه به اهمیت وحدت و یکپارچگی مردم بیان داشتند: در این شرایط حساس یک راه برای نجات این مردم و ادامه حیات شان وجود دارد و آن راه، وحدت و هم بستگی شان است...

ایشان نسبت ظلم و بیعدالتی که در گذشته و اکنون در حق مردم روا داشته اندومی دارند فرمود: برای خدمت، برای ساختن برای جوانی گری که، دبیروزارت کشور بود، امروز با ما شین این را مردم الان برای ما میخواهند این را نمیخواهند که از ۲۸ وزارت خانه یک وزارت خانه کلیدی برای مردم هزاره بدهند... پنج وزارت خانه بمایشته شده بود، ما گفتیم مایک وزارت خانه کلیدی میخواهیم و با مشکلاتی این مسئله مطرح شد، قناعت کردند که " وزارت امنیت ملی داده شود " ساعت ۳- شورای جهادی توافق کردند دو ساعت ۶- شورای رهبری ( وزارت امنیت را ) منحل اعلام کردند، شما از اینجا درک بکنید که حساسیت مردم هزاره و مظلومیتشان چیست و تا چه حد است، بعد هم گفتیم خوب حالا که منحل اعلان کرده اید، هر چیزی را که معادلش باشد بدهید.

امروز آقای ربانی آمده، میگوید این از اصل وجود ندارد ( یعنی وزارت امنیت در تشکیلات دولت نیست ) این را باید ریاست درست کنیم، این وضعیت مردم ما است... از این جهت مسئولین حزب وحدت که متعلق به مردم هزاره است از هویت شان دفاع میکنند و می ایستند. ایشان در رابطه با جنگ که از طرف نیروهای مهاجم اتحاد بر حزب وحدت تحمیل گردید فرمودند:

جنگی را که بر ما تحمیل کردند، نه حق مادر پیش اتحاد بود، نه از اتحاد حق دعوا داشتیم، آقای مجددی اینجاسری کار بود ما با

آقای مجددی مذاکره داشتیم، مفاهمه داشتیم مشکل خود را حل میکردیم، اینها جنگ را علیه ما آغاز کردند، به این عنوان آغاز کردند که اینها را از کابل برداریم، حالا که آمده اید از نزدیک، من توظیف میکنم که برادران تمام مناطقی که در دست حزب وحدت است بروید ببینید که یک دهمش را رادیوها و جراید و رسانه های خبری در بیرون منعکس نکردند... از این جهت منعکس نکردند که ترسیده بودند... برای مادر در سراجا کردند..."

ولی مردم این ما این شهامت را نشان داد... که از حیثیت و ناموس شان و هویت شان دفاع بکنند، الان توطئه در اینجا تمام نمیشود اما مکان دارد باز هم جنگهای زیادی را... اینها بر ما تحمیل کنند... مسئله میدان شهر را خودتان میدانید که ده بار حزب اسلامی اینجا پیش مانفر فرستاد، شیعه های پاکستان را واسطه کرد، علامه ساجد علی نقوی را واسطه کرد که بیائید بین ما و حزب اسلامی میانجی گری کنید، ما قبول کردیم... ما با اینها نشستیم و گفتیم ما با شما جنگ نداریم، اکثریت کابل از ما است، ما مجبور هستیم از مردم خود دفاع کنیم شما سرما حمله نکنید، نه حق ما پیش شماست... نه شما دشمن ما هستید، لهذا ما در اینجا فیصله کردیم که سپس راهها، باید بدون قید و شرط از اشدون مردم از میدان شهر بیایند در کابل، از کابل طرف غوربند، هیات تعیین بکنیم اسرانی که داریم تبادل شود راهها از اشدون، تو میدانی با این دولت حق تان را میگیرید و ما هم حق خود را میگیریم، وقتی که هیات رفتند سه، چهار جلسه مذاکره کردند و فیصله شد که بدون قید و شرط راهها باز شود اسرانی که بود تبادل شد همان روزیکه در میدان شهر جلسه آخر تمام شد... انوقت چهارده نفر از قوماندانان و بهترین نفرهای مارا که پای شان را در انقلاب از دست داده بود " حاجی عبد " را دونفر عرب دردم رگبار بستند آنان را شهید کردند، جنگ خانمانسوزی سه روز ادامه پیدا کرد که دیر روز شهدا تشیع گردید، ماهجده نفر جوان را یک جار دیف دفن کردیم...

خطاب به هیات فرمودند: تنظیم تان که تشکیل شد برای مردم هزاره شعار دادید و کار کردید، که ما برای مردم هزاره کار می کنیم و زحمت میکشیم، امروز این هویت را مردم هزاره پیدا کرده، ما وظیفه داریم که از این هویت دفاع کنیم، چه در سطح تبلیغات، چه نشرات که داریم، در داخل پاکستان به حکومت پاکستان تفهیم بکنیم که ما دشمن شمانیستیم، ما همان ذهنیت را به شما داریم که یک مشت مهاجر ما را جادادید به ایران هم داریم... شما اینطور برخورد نکنید، در چهارده سال انقلاب کمکهای که از دنیای آمد، برای " افغانستان " نبود برای جلوگیری از روس بود، یعنی آن روزیکه افغانستان اشغال شده بود کل غرب برای این مسئله بود که، هر دستی که در " افغانستان " بالا شود تیر انداز طرف روسها یک کلاش باید در دستش بدهیم، در چهارده سال ما مبارزه کردیم شما با ما کمک نکردید... حالا که سر زمین ما از اشدون است، اقلاً " این وحشت رانداشته باشید که ما مخالف شماستیم، نه، ما مخالف شما نیستیم، ما شمارا به عنوان یک





همسایه قبول داریم و همسایه دوست هم میدانیم ...  
در رابطه بانوع حکومت در آینده ایشان چنین بیان فرمودند:  
در رابطه به مسئله آینده روشن است که از نگاه بین المللی همه، در این مسئله قناعت دارند که حکومت آینده را برای مردم تعیین میکنند، امروز با هر کسی هم که گپ زده میشود، میگویند که خوب شما اگر نفوستان زیاد است، در آینده مردم رای میدهند، ولی ما و شما میدانیم که، در کشورهای آسیائی و کلا شرق رای مردم تعیین کننده نیست قدرت هائی که در راس این مردم است آنها تعیین کننده است ...

ما چند دوره در زمان ظاهر هم رای گیری داشتیم و کیل می آمد در شورای ملی دولت تعیین کننده بود، ۲۱۶ نفر وکیل بود ۱۰۰۰ از تمام هزاره جات ۲۰ نفر وکیل می آمد، از ولسوالی که ۱۶۰ هزار نفوس داشت یک وکیل می آمد از جنوبی و مشرقی که ولسوالی های هر یک در سطح بالای ۱۶ هزار نفوس داشت هم یک وکیل داشت تا ۲۸۰۰ نفر هم یک وکیل می آمد ۱۰۰۰ این یک مسئله ای است که انتخابات روی چه فرمولی روی چه قانونی؟؟ لهدا هر کس که در این شرایط در قدرت انتقالی قدرت دارد، همان تعیین کننده است ...

ما باید همبستگی داشته باشیم، وحدت داشته باشیم، تلاش بکنیم حقوقی که داریم در دولت موقت همه ملیت هابه حقوقش برسد، تاراه هموار شود برای اینکه سرشماری - تشکیلات حکومت آینده، عادلانه باشیم قانونی که برای مردم ساخته شود که در آینده آن قانون حاکم باشد، لهدا مسئله انتقالی برای ملیت های محروم که ۲۴ سال مبارزه کرده اند احقاق حقوق شان مسئله حیاتی است اگر در این زمینه غفلت می کنند، بعد همان مسئله ولسوالی، علاقه داری، ولایات و ...  
همان چیزی را می سازند که (مطلوب خودشان باشد) ما بعنوان نمونه، به شما میگویم که در منطقه ما ولسوالی دره ی صوف که قبلاً از انقلاب در زمان ظاهر ۴۳ هزار نفوس داشت مرکز ولایتش ۱۸ هزار نفوس داشت، انوقت از ولایت یک نماینده می آمد، نماینده دیگر بحساب ولسوالی می آمد از این ۴۳ هزار هم یک نفر می آمد، در کنار همین ۴۳ هزار یک ولسوالی دیگر از برادران اهل تسنن بود ۱۲ هزار جمعیت داشت هم یک وکیل و یک رای داشت ۴۳ هزار - هم یک رای داشت، اینست که اگر این مسئله درست نشود، مسئله ای مشکلی است، لهدا ما معتقدیم که در دوره انتقالی هر حسابی را که دیگران بکنند، همان حساب را با ما بکنند ...  
ما الان از ۳۰ درصد که تسامح کردیم ۲۵ درصد مردم افغانستان را تشکیل میدهم این حق را با ما بدهند، بعد در آینده ما همان مسئله را که " حزب وحدت اسلامی افغانستان " معتقد است و اعلام کرده است، برای آینده اگر بخواهند " افغانستان " آرام شود، قانون حاکم شود، باید قانون فدرالی در اینجا حکومت بکنند، هم مردم احساس بکنند که ما بر سر نوشت خود، خود ما تصمیم بگیریم، الان عملاً مناطق در دست مردم اصلاً " امروز مرکز - در شمال تسلطی ندارد، مرکز در هرات تسلطی ندارد، مرکز، در هزاره جات تسلطی ندارد هم در انجا تشکیلات دارند، هم سلاح دارند، هم امکانات دارند، تنهاره جلی که افغانستان را از تجزیه نجات میدهد، هم ملت ما را قانع میکند، هم حقوق شان در دستشان برسد مسئله فدرال است که باید با توافق ملیت های محروم

در نظر گرفته شود ۱۰۰۰ خودشان تصمیم گیر باشند، یک حکومت مرکزی هم داشته باشند چطور میشود که قانون فدرالی در " پاکستان " خوب است، در آلمان خوب است، در هند خوب است، در آمریکا خوب است، حالا که در افغانستان آمده بدمیشود؟؟ اینکه نمیشود حالا در افغانستان می آیند پول مصرف میکنند یک حکومت مرکزی بوجود بیاورند ...  
اگر قانون فدرالی نیاید ملیت هائی که محروم بوده، تحت فشار بوده، آنها هیچ اطمینانی ندارند که برای آینده باز قتل عام نمی شوند، آینده تحت فشار قرار نمیگیرند تنها اطمینان شان این است که سرنوشت خود را خود شان تعیین کنند ما در تاریخ افغانستان قتل عام عمومی را متحمل شده ایم کسه دوران - عبدالرحمن ۶۵ درصد مردم ما از بین رفتند این چطور میشود که الان ما اطمینان بکنیم حکومت مرکزی بوجود بیاورد خلع سلاح شویم دوباره این مسئله سر ما تکرار نمیشود، انانیکه همین را در پیشینه تاریخ تجویز کردند، امروز هم تجویز میکنند، این کشتار عمومی را، لهدا تنها راه آرامی در " افغانستان " و تنهاره ای که (افغانستان) تجزیه نشود، تنهاره ای که ملیت ها همبستگی خود را حفظ بکنند و تمامیت ارضی افغانستان حفظ شود، تنهاره حل قانون فدرالی است، که ما آنرا اعلان کردیم و ما روی مسئله هستیم، نه تنها الان این مسئله را ما میگویم که غرب افغانستان هم میگویند و شمال افغانستان هم میگویند همه این را میگویند، این یک حکومت خوبی است که هم در مناطقی که خودشان برای خود تصمیم میگیرند، هم در مرکز تصمیم میگیرند ... این موضع حزب وحدت است و تنهاره حل این را میدانند ...

آن ماهفت ملیون جمعیت داریم ... از ۳۰ ولایت یک ولایت در اختیارش نداشت این در کجای عدالت است، در کجای قانون است ...  
۰۰۰ برادران بعد از ۱۴ سال جهاد در پاکستان رفتند، دولت تشکیل دادند، گفتند حرف اینان را بعداً میزنیم، این برای مردم ما توهین بود، این برای جهاد ما توهین بود، ما از برادران " پاکستان " این انتظار انداشتیم که اینطوری با ما برخورد نکنند، درست است امکانات بین المللی را دل بخواه بهر گروه دادند ولی در سرنوشتی که ۱۴ سال است، ما جهاد میکنیم، چطور میشود یک ملت زابا این همه فداکاریش گفتند که ما بعداً " تصمیم شان را می گیریم؟ برای آنها تکیه رفتند در پاکستان دولت تشکیل دادند توهین بود، اینها عملاً " اثبات کردند که شخصیت ندارند، شخصیت جهادی ندارند، تشکیل دولت عبوری " در پاکستان " در سال ۱۳۶۷، یک چیزی معقول بود که روسها در اینجا حضور داشت، دولت بود، دولت در حال تبعید تشکیل می شد، بعد از آنکه دولت " کابل " سقوط کرد، چرا دولت در پاکستان تشکیل میشود؟ چرا در کابل تشکیل نمیشود؟ مردم هزاره در طول تاریخ اثبات کرده اند، ظرف ۱۴ سال انقلاب هم در صاف مجاهد بین اثبات کرده اند که جهاد کردند مناطق شان را از انکهداشتند ... در تاریخ افغانستان یک جنرال برای مردم هزاره نبود طبیعت اینطور نبود که مردم هزاره لیاقت جنرال شدن را نداشته باشند، این را سیاست اینطور تجویز میکرد، که از یک نژاد مادر که

متولد میشود جنرال متولد می شود، از یک مردم در طول تاریخ یک جنرال نباشد ...  
سیاست هاست که اینطوری ترسیم میکنند که یکی پادشاه باشد، یکی هم باید جنرال باشد یکی هم باید خدمتگار و عملی این مملکت باشد در سیاست حق نداشته باشد، هر صاحب منصبی که در عسکری بود، از مردم هزاره در پهلوی خانواده اش و ناموسش مردم هزاره را به عنوان صادق ترین مردم خدمتگار میبرد این چطور بود که این مردم برای ناموس شان از اینها صادق بود ولی برای کاتبی در دولت صادق نبود این سیاست اینطور بار آورده بود طبیعت اینطور نبود ...

ایشان باز هم تا یکیدور زیدند که تنها راه حل برای ما موجود کشور سیستم فدرالی در کشور است:  
... اگر آزادی و حقوق هر کس ارزش دارد برای یک انسان خوب است، برای همه باید خوب باشد، چطور میشود که برای پاکستان هند و آمریکا، خوب ولی برای افغانستان خوب نیست، ما این طبق رانمی فهمیم همین پشتون، همین بلوچ و هزاره در پاکستان هم زندگی میکنند، انجا در قانون فدرالی زندگی می کنند خودشان رای میدهند، خودشان برای خود کرسی تشکیل میدهد، قانون تشکیل میدهند خوب، ولی در افغانستان بدمیشود این که نمیشود، منطقی نیست این است که برای آینده هم تنهاره حل، فدرال است، که عملاً " الان افغانستان به نحو فدرالی اداره اداره میشود، یعنی الان در هرات هیچگونه تسلطی از این مرکز نیست خود شراست حتی از مرکز کسب تکلیف هم نمیکند الان هشت ولایت سمت شمال را " دویتم " اداره میکند تشکیلات، ارتش به وجود آورده است هزاره جات هم همین طور ...

حالا که ما بیایم مرکز برای همبستگی " افغانستان " یک حکومت مرکزی در کابل تشکیل بدهیم یانه دهیم؟؟ اگر توافق کردیم تشکیل بدهیم تمامیت ارضی افغانستان حفظ میشود، استقلالش حفظ می شود ...  
اگر این را قبول نکردیم (افغانستان) عملاً " تجزیه است یعنی سالنگ را می بندد کسی نمی تواند که انطرف برود و این به صلاح " افغانستان " نیست هر کس برای افغانستان فکر میکند باید قانون فدرالی را قبول بکند، باید به این مردم حق بدهد که خودشان به سرنوشت خود تصمیم بگیرد ...  
پایان



طلوع وحدت

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری

صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی ...

زیر نظر: کمیون فرهنگی

مرکز پخش: دفاتر نمایندگان حزب وحدت

اسلامی افغانستان در پاکستان و ایران

آدرس: پاکستان - کوئته بلوچستان پست بکس

نمبر ۱۲۲